



عنوان	تبیین حاکمیت پایدار
سخنران	دکتر فرج الله رهنورد
اعضای پنل	دکتر حسین علیپور، دکتر غلامرضا معمارزاده
	تاریخ برگزاری: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵

حاکمیت در مفهوم کلی عبارت است از الگوی (سبک) وضع، کاربرد، و اعمال قواعد. حاکمیت به چیزی وسیع تر از دولت دلالت دارد و چگونگی راهبری و قواعد بازی را مشخص می کند. مدل های مختلف حاکمیت:

۱. حاکمیت خوب: به دنبال تعریف حاکمیت در معنی تعالی است. ابعاد حاکمیت خوب: ۱- پاسخگویی و شنوایی، ۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت، ۳- اثربخشی دولت، ۴- کیفیت مقررات، ۵- حاکمیت قانون، ۶- کنترل فساد.
 ۲. حاکمیت عمومی: حاکمیت باید به گونه ای سازمان دهی گردد که با خواسته ها و انتظارات ذینفعان و شهروندان همسویی بالایی پیدا کند. این حاکمیت دارای دو بعد است: ۱- کیفیت زندگی مردم، ۲- اصول حاکمیتی.
 ۳. حاکمیت پایدار: مشخص می کند که ظرفیت و توانایی های هر کشور در واکنش به چالش های سیاسی و اجتماعی به چه میزان است. حاکمیت پایدار بر مبنای سه محور ساخته شده است: ۱- عملکرد خط مشی، ۲- دموکراسی، ۳- مدیریت و حاکمیت.
- عملکرد خط مشی: هدف خط مشی عمومی ارتقای توسعه پایدار و همچنین شمولیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان است. دولت ها باید شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را چنان بسازند که رفاه عمومی و توانمندسازی آنان را در پی داشته باشد. این بخش از ۳ بعد تشکیل شده است:
- خط مشی های اقتصادی: اقتصاد، بازار کار، مالیات، بودجه، تحقیق و نوآوری، سیستم مالی جهانی.
 - خط مشی های اجتماعی: آموزش، شمولیت اجتماعی، بهداشت، خانواده، حقوق بازنشستگی، یکپارچه سازی، زندگی سالم، نابرابری های جهانی.
 - خط مشی های زیست محیطی: محیط زیست، حمایت جهانی محیط زیست.

دموکراسی: نهادهای دموکراتیک و اقدامات آنها از استحکام کافی برخوردار هستند؟

زمینه های مورد بررسی کیفیت دموکراسی عبارتند از: فرایندهای انتخاباتی (رویه های نامزدن شدن و دسترسی آنان به رسانه ها منصفانه است؟، حق رأی و ثبت نام تضمین شده است؟)، دسترسی به اطلاعات (رسانه ها مستقل هستند؟، عقاید متنوع را بیان می کنند؟، اطلاعات دولتی قابل دسترسی است؟)، حقوق مدنی و آزادهای سیاسی (حقوق مدنی و آزادی های سیاسی محترم شمرده می شود؟، در مقابل تبعیض حمایت هایی وجود دارد؟) و حاکمیت قانون (نهادهای مطابق قانون عمل می کنند؟، بین نهادها موازنه و مقابله برقرار است؟، از فساد جلوگیری می شود؟)

مدیریت و حاکمیت: ترتیبات نهادی ظرفیت بخش دولتی را برای اجرا ارتقا می دهند؟، شهروندان و دیگر سازمان ها می توانند دولت را در قبال اقداماتش به پاسخگویی وادار کنند؟، زمینه های این بررسی شامل موارد زیر است:

۱. ظرفیت اجرایی: آیا دولت از قابلیت های راهبری قوی برخوردار است؟، ظرفیت راهبردی و هماهنگی بین وزارتی (تصمیم گیری حکومتی در میان لایه های مختلف نهادی هماهنگ می شود؟)، ابزارهای مبتنی بر شواهد (دولت ارزیابی های اثر تنظیمی RIA به کار می گیرد؟ کیفیت و پایداری فرایند RIA تضمین شده است؟)،



شمولیت اجتماعی (دولت با بازیگران اجتماعی و اقتصادی در فرایند آماده سازی خط مشی مشورت می کند؟)، ارتباطات خط مشی (دولت ارتباطات خط مشی را برای اطمینان از همسویی اظهارات با راهبرد دولت هماهنگ می کند؟)، اجرا (دولت خط مشی ها را به طور اثربخش به اجرا می گذارد؟)، انطباق پذیری (دولت با دیگر کشورها به هنگام سازگاری با توسعه های جدید خانگی همکاری می کند؟)، نوسازی سازمانی (دولت ترتیبات نهادی خود را پیش و در صورت نیاز اصلاح می کند؟)

۲. پاسخگویی اجرایی: تبحر مشارکت شهروندان (نقش آفرینان غیردولتی در خط مشی گذاری درگیر می شوند؟)، منابع بازیگران قانون گذاری (قانون گذاران از ساختارها و منابع لازم برای پیش مجریان برخوردارند؟)، رسانه ها (رسانه ها اطلاعات اساسی برای ارزشیابی تصمیمات دولتی را در اختیار عموم مردم قرار می دهند؟)، احزاب و انجمن های ذینفع (تصمیم گیری داخلی احزاب باز و شمولیت دارد؟ انجمن های ذینفع خط مشی های منسجم و عقلایی ارائه می دهند؟)

قابلیت کاربرد تبیین حاکمیت پایدار در ایران

تعداد قابل توجهی از کشورهای غیر عضو OECD به ارائه گزارش عملکرد بر مبنای حاکمیت پایدار اقدام کرده اند که شباهت های قابل توجهی با ایران دارند. برخلاف شاخص حاکمیت خوب که بر ایدئولوژی نئولیبرالیستی استوار است و از این جهت کاربرد آن در جمهوری اسلامی ایران مورد نقد قرار گرفته است، حاکمیت پایدار جهت گیری ایدئولوژیکی ندارد. از نظر ضرورت و قابلیت اجرا، موضوع قابل بحثی است و الگوهای فکری مختلف می توانند نظرات متفاوتی داشته باشند.

ویژگی برجسته و پایدار نظام سیاسی ایران "اسلامیت" حکومت آن است. دلالت این امر تأسیس نهادهای دولتی خودگردان نظیر ولایت فقیه، شورای نگهبان، شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت، مجلس خبرگان رهبری، سپاه پاسداران، و تسلط این نهادها بر جامعه است. نکته کلیدی آن است که قابلیت کاربرد حاکمیت پایدار تا حدودی به ماهیت روابط بین این نهادها و جامعه مدنی بستگی دارد.

در به کارگیری مدل حاکمیت پایدار در زمینه ایرانی، دو نکته مهم را باید مورد لحاظ قرار داد: ۱- نقش تعیین کنندگی فشارهای اجتماعی در بازسازی حاکمیت، ۲- امکان اجرای اصلاحات مبتنی بر حاکمیت پایدار در چارچوب نهادهای کشور.

در نظام سیاسی ایران توده های مردم از سازماندهی مناسب برای تبیین خواسته های خود برخوردار نیستند. تشکلهای غیردولتی نهادینه نشده اند و سخنگوی منافع عمومی محسوب نمی شوند تا بر تصمیم های دولت تاثیرگذار باشند. بنابراین، اصلاحات اساسی در بخش دولتی، برای تحقق ویژگی های حاکمیت پایدار در گرو مدیران دولتی توانمند و متعهد به بازسازی برای انجام این مهم است. اصول حاکمیت پایدار ایجاب می کند تا مجریان (اداره کنندگان) در نقش تحول آفرین ظاهر گردند. بنابراین، حرکت راستین به سوی حاکمیت پایدار، در گرو تحول در نگرش مدیران عالی در خصوص حاکمیت پایدار است.

باید در نظر داشت که تنها یک مدل منحصر به فرد "حاکمیت پایدار" وجود ندارد، بلکه دامنه ای از الگوهای حاکمیت پایدار را می توان تصور نمود که متناسب با شرایط کشورها (مانند عوامل سیاسی و فرهنگی) توسعه می یابند. آنچه که آشکار است، فقدان یک مدل بومی حاکمیت پایدار در ایران است. طراحی چنین مدلی می تواند مبنای بازنگری در سیاست های کلی نظام اداری قرار گیرد.